

به ۱۱ دلیل دوستی های قبل از ازدواج ممنوع

همون طور که قبلا بیان شده ، دور دوستی های قبل از ازدواج رو خط بکشید . حتی اگه قصد دو طرف صد در صد ازدواج باشه که معمولا نیست . ۱۱ دلیل رو بیان می کنیم که چرا نباید در این حیثه وارد بشید .

۱- جاذبه ها مانع دیدن معایب طرف مقابل میشه .

اون قدر محو اون میشیم که خیلی چیزها رو نمی بینیم . پیامبر فرمودند : دوست داشتن یک چیز انسان را کر و کور می کند . میگیم عیب داره دوست من ، نمی پذیره . میگه چیزی نیست و به سادگی از کنارش عبور می کنه .

اگر بر دیده مجنون نشینی
به غیر از خوبی لیلی نبینی .

طرف میشه برات سراپا حُسن . در این دوران دوستی شما اصلا نمی تونی بشناسیش . تعلق خاطر میشه آفت یک شناخت درست . کافیه پسره کمی روی احساسات دختره کار کنه تا اون احساساتش رو در تصمیم گیری های خودش شریک کنه . کافیه دختره کمی کمالات ظاهری یا مالی داشته باشه و با پسره راه بیاد ، اون وقته که پسره در تصمیم گیری به مشکل بر می خوره .

۲- تا جایی که امکان داره به هم دروغ میگویند

اگه یکی سرت رو بکنه ، طرف مقابل ممکنه دروغ های بزرگی بگه . چرا ؟ به بهانه ی این که میگه نمی خوام اونو از دست بدم . برای این که طرف مقابل رو به طرف خودش جلب کنه ، آرزوهاش رو به عنوان داشته ، به طرف مقابلش میگه . من اینو دارم و اونو دارم و ...

۳- به شدت زمینه ی وسوسه و حضور شیطان ، توی این رابطه پر رنگه پیامبر می فرمایند : هر جا یک زن و مرد نامحرم با هم خلوت بکنن ، شک نکنید که نفر سومی هم هست که اون شیطان . ما هر چی بریم و بیایم صمیمی تر میشیم . غیر از اینه ؟! من اولین بار می خوام با یه خانم حرف بزنم . ۲ متر عقب تر می ایستم و بهش میگم : ببخشید خانم که مستدع اوقات شریف شدم ! دفعه ی دوم یه متر جلوتر میرم ! حالتون چطوره خانم ؟! خوبه ... خدا رو شکر ! دفعه سوم میگم چطوری ؟! دیر اومدی بلا !!!
خب طبیعیه که ما هر چی بیشتر ارتباط داشته باشیم صمیمی تر میشیم .

می خوام سوار تاکسی بشیم . آقا هر چی تاکسی میاد عقبش پره !!! ای بابا ما دو تا نمی خوام جلو بشینیم ! یه ربع دیگه صبر می کنیم . کلا تاکسی ها عقب پرن ! خب دیگه مجبوریم جلو بشینیم !

خیابون هم که ماشالله پر از سوراخ و دست انداز ! راننده هم که مستقیم نیره ! آخ جووون پیچ ! ما هم هی روی اون میریم ! اونم میگه نکن دیگه !

یواش یواش ... مبینیم اوضاع بیخ پیدا کرد . بعد میگیم حواسم هست ! حواسم هست ! چی چی حواست هست ؟! در چنین رابطه ای حضور شیطان پر رنگه . کار به جاهای بد بد میکشه . اونایی هم که توی این وادی نیستند تحریک میشن . خب دوست دختره هر روز می بینه ، یا النگو دستشه ، یا انگلشتر خریده یا گوشه نو داره و ... اینا رو از کجا میاری ؟
میگه شهرام جووون می خرن . خب اینم دلش بهرام جووون می خواد !
میگن که ما رابطه مون پاک پاکه ! در این که اکثریت شما پاکید شک ندارم ولی به شیطنت های شیطان شک دارم !

اونایی که میگن سخت نگیر ، من یه سوال ازتون دارم . آیا شما از حضرت علی علیه السلام بالاترید ؟! از حضرت موسی علیه السلام بالاترید ؟ از یوسف بالاترید ؟ از مریم مقدس بالاترید ؟

حضرت علی علیه اسلام به خانم های جوان سلام نمی کرد . میگفت می ترسم از صداشون خوشم بیاد گناه کنم ! میگفت می ترسم وقتی خانم جواب سولام رو میده یه موقع صداش نازک باشه یا خاص باشه دلم بلرزه ! (نقل مضمون) .

حضرت موسی علیه السلام به دختران شعیب میگه شما پشت سر من راه بیاید خونه تون رو نشونم بدید . چرا ؟! یکی از دلایلم می تونه این باشه که نمی خواست ناخود آگاه چشمش به قد و بالای اون دختران بیافته !
در جریان حضرت یوسف ، خداوند می فرمایند که اگر ما مراقب یوسف نبودیم ، ممکن بود خطا کنه ! من خدا هواشو داشتم وگرنه ممکن بود به خطا بره . دیگه کسی از یوسف قویتره ؟!

وقتی جبرئیل به شکل یک جوان زیباروی ، جلوی مریم مقدس ظاهر شد که بهش بشارت حضرت عیسی علیه السلام رو بده ، حضرت مریم خودش رو جمع می کنه و میترسه . میگه من از دست تو به خدای رحمان پناه می برم . یعنی ما از مریم مقدس قویتریم ؟!
تکه ای از یه نامه :

دوست پسر داشتم ، این جور می شد ، اون جور می شد ، پیشنهاد کرد بریم خونه مون ، گفتم نه قبول نمی کنم . گفت پس در تمام مدت به من دروغ می گفتی ! تو منو قبول نداری ؟ تو به من اعتماد نداری ! برای این که ثابت بکنه به پسره اعتماد داره رفته بود خونه شون ! ...
از این جا نامه رو می خونم :

متأسفانه بدون توجه به مخالفت های شدید من ، مرا مورد آزار و اذیت های جنسی قرار داد . البته توانستم به یاری خدا ، فرار کنم .

یه نامه که یکی از دانشجو هام در مورد یکی از اساتید بهم داد . گفتم شرم بر این استاد . بعضی ها بمرن بهتره . لکه ی ننگن توی این عالم . نوشته بود مدتی قبل دانشجوی یکی از اساتید بودم . یک بار غیر مستقیم پیشنهاد دوستی دادند و گفتند عشق و ازدواج وجود ندارد . و آدم می تواند قبل از ازدواج جوانی کند . ازدواج یعنی بچه دار شدن و تلاش برای خانواده و سوختن و ساختن . استاده گفته بود که بیا با من جوونی کن ، صفا کن ! بعد هم برو ازدواج کن و بسوز و بساز !!!

همچنین گفت تا مرحله ی دکترا کلمت می کنم ! من هم نیاز دارم کسی در تحصیلات یاریم کند . در ضمن استادم ۴۷ ساله و دارای فرزند و زن می باشد .

این پیشنهاد این قدر زشته ، این قدر قبیحه ، که هر عقل سالمی می فهمه زشته ، و این دختر این قدر خوابه ، که استاد بهش گفته با من عشق کن و بعد برو بسوز و بساز ، به من نامه داده بود که نظر شما چیه ؟؟؟!!!

خب وسوسه شیطان شدید میشه . اون قدر شیطان وسوسه اش کرده بود که دو دل شده بود !!! با من مشورت می کرد که با استاد باشم یا نباشم ؟! کسانی هستند که دوست شدند برای ازدواج که هم رو بشناسند . کار

تا رابطه ی جنسی پیش رفته و بعدش هم هیچی !
به نظرتون با استاد باشم که تا دکترا کلمم کنه ؟؟؟!!!

پیشنهاد ازدواج برخی از پسر ها یه ترفنده ! ترفندی که می خوان با دختر مورد نظرشون رابطه ی جنسی برقرار کنن .

۴ - عدم اعتماد و اطمینان

بعد از چند ماه که از ازدواج گذشت و شور و هیجان اولیه خوابید . تازه یاد این می افتم که به هم شک کنیم . دوست بودن با هم و ازدواج هم کردند . بعد از دو سال میگه ببین ، اون موقع که با من دوست بودی ، بعد با کس دیگه ای دوست نبودی ؟! الان ادامه نداده این رابطه ؟! من از کجا بهت اعتماد کنم ؟ وقتی تو دور از چشم خانواده ات ، با من رفیق شدی ، شاید الان دور از چشم من ، با دو تای دیگه رفیق بشی ! اون موقع شک می کنن که نلکه یکی از چندین نفر بودن ؟!

۵ - تضمینی وجود نداره که یه دوستی حتما به ازدواج ختم بشه

اگه این دوستی به ازدواج ختم نشد ، احساس حقارتی که مخصوصا دختر می کنه ، لطمه روحی و روانی که مخصوصا دختر می بینه رو کی می خواد جبران کنه ؟!

انسانیم . احساس ، عاطفه ، روح و روان داریم . اگه ما باهم دوست شدیم به نیت ازدواج ، که هزاران از این دوستی ها ، به ازدواج ختم نشده ، و از هم جدا شدند ، لطمه ی روحی روانی ، گوشه گیری ، افسردگی و ... رو کی می خواد درست کنه ؟

از همه بدتر ، اگه خواستگارتون یا کسی که به خواستگاری اون میرید پرسید قبلا با کسی بودی یا نه ؟ چی میگی ؟ اومدیم و گفتی نه ! بعدا اگه به طریقی از رابطه ی قبلی شما مطلع شد چکار می کنید ؟
یه رابطه ، سه مرحله داره :

۱ - مرحله نو پا ۲ - مرحله ی در حال رشد ۳ - مرحله جدی

تا سه ماه رابطه بین دو انسان در مرحله ی اول قرار داره . آرام آرام داره رابطه شکل میگیره . بعد مرحله ی اول ، بین سه تا شش ماه رابطه در حال رشد هستش . در این جا احساس وسط میاد . درگیری عاطفی به وجود میاد . و از شش ماه به بعد ، می تونیم بگیریم رابطه کاملا عمیق و جدی میشه . و نسبت به هم وابسته ی عاطفی میشیم . و بعد از ۶ ماه اگه رابطه ای بخواد قطع بشه ، چون یه رابطه ی کاملا جدیه ، لطمه روحی در اون بدون شک اتفاق می افته .

و حالا فکر بکنید یکی از این دو نفر بخواد ازدواج هم بکنه ، چون در مورد عشقی قبلی ، دوستی قبلی ، تو خواب خیال قبلی شکست خورده ، معلوم نیست که بتونه با عشق دومش بتونه درست حسابی زندگی کنه .

۶ - گاهی وقت ها اگه این دو نفر نتونن با هم ازدواج کنن ، حتی اگه نیت جفت شون ازدواج باشه ، میرن تو حالت کما ! میگن من دیگه ازدواج نمی کنم . من اصلا از هر چی مرده بدم میاد ، از هر چی زنه متنفرم . بعضی مواقع تصمیم به انتقام هم میگیرن ! اونم از همه ی جنس های مخالف ! چون این ۱ سال با من دوست بود ، منو رها کرد و با من ازدواج نکرد ، من می خوام از هر جنسی مخالفی انتقام بگیرم .

انتقام از جنس مخالف یکی از واکنش هاست . بعضی ها از خونه فرار می کنن . ممکنه دست به خودکشی بززن . رو به مشروبات الکلی میارن ، معتاد میشن . چرا ؟ تا به یه طریقی دردشون رو فراموش کنن یا کاهش بدن . بعضی ها آبروی طرف رو با مدارکی که دارن می برن . مثلا اگه عکسی یا فیلمی با همدیگه گرفتند اون رو منتشر می کنن . بعضی ها اسید پاشی می کنن .

۷ - دوستی قبل از ازدواج ، دور از چشم خانواده ها ، برای این که هم رو بشناسیم و بعد به خانواده ها اعلام کنیم غلطه غلطه ... چون راه سوءاستفاده باز میشه .

۸ - آگه این رابطه منجر به ازدواج نشه ، و یکی از اون ها با یکی دیگه ازدواج بکنه ، همیشه بعد از ازدواج خطر برگشت به سمت قبلی وجود داره .

خطر این که فیلس یاد هندوستان بکنه وجود داره ، و مدام هم همسرش رو با قبلیه مقایسه می کنه . و معلومه که بازنده همسرشه .

فرض کنید بازنگر این نقش پرسه بوده ، البته از آقایون عذر می خوام ، خب وحشتناک فیلم بازی می کرده ، کادوهای عجیب و غریب ، رفتارهای عجیب و غریب ، خب حالا دختره با یه پسر دیگه ازدواج می کنه ، مدام شوهرش رو با اون مقایسه می کنه ، معلومه که بازنده شوهرشه . اون فیلم ها رو با رفتار شوهرش مقایسه می کنه .

۹ - موقعیت های خوب از دست میرن

آقای محترمی که با خانمی دوست هستی ، خانم محترمی که با یه آقای دوستی ، اصلا نیت شما صد در صد ازدواج ، بهترین موارد میان خواستگاری یا می خوان بیرنت خواستگاری زیر بار نمیری . میگی من قصد ازدواج ندارم ، چون یه نفر دیگه تو ذهنت تشریف داره ! عالی ترین موقعیت ها از کفت میرن . و بعد حسرت اون فرصت های از دست رفته رو می خوری

۱۰ - شان و شخصیت دختر برای پسر زیر سوال میره

می دینید چرا ؟ پسره میگه این دختره مگه اصل و نسب نداره ؟ خانواده نداره ؟ رگ و ریشه نداره ؟ من همین طوری گفتم می خوام باهات ازدواج کنم اونم قبول کرد ! گفتم خانواده تون متوجه نشن تا هم رو بشناسیم ، گفتم باشه !!! نکنه یه ریگی تو کفش دختره است . نکنه وضعش خرابه ، نکنه نکنه ...

معمولا در این زمینه ها پسر به دخترا شک می کنن .

۱۱ - ممکنه کارمون به دروغ گویی کشیده بشه .

دوستان ، رابطه خرج داره . رابطه که مفت و مجانی نیست . باید یه هزینه های واسه همدیگه بکنیم . باید بریم و بیایم . خانواده هم که قراره نفمن ! دختره داره میره بیرون ، میگن کجا ؟ میگه پیش سوزیلا ! میگن سلام برسون ! زیر پتو با موبایل ور میره ! با موبایل میره حمام ! از ترس این که پیام هاشو نخونن ! برای این که مخارج تامین بشه ممکنه دست توی جیب والدین بره !

احتمالا بعضی ها بگن مورد ما با بقیه فرق داره !!! جالبه ! خیلی ها چنین فکری می کنن و بعد که رابطه به هم خورد میگن چه جالب ! مورد ما فرق نداشت !

فرض کنید ۱۰۰۰ لیوان شربت جلوی شما بذارن . بگن که در یکی از این

لیوان ها سهم مهلکی ریخته شده ! حاضرید یکی از اونا رو بخورید ؟

میگیم بابا ! کسانی هم بودند که با هم دوست شدند و بعد ازدواج کردند . ولی درصدشون این قدر پایینه که هیچ عقل سالمی نمی تونه چنین خطری بکنه !

پس دوستی به قصد ازدواج ممنوع

تایپ شده از روی سخنرانی های دکتر فرهنگ با حذف و اضافات

با تشکر

منبع : وبلاگ خانواده برتر

آدرس وبلاگ : <http://khabartar.blog.ir>

کانال تلگرام خانواده برتر : <https://telegram.me/khabartar>